

# تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و احساس همگرایی قومی در شهر ارومیه (مطالعه موردی: قوم کرد و ترک)

رحیم سرور

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهر ری، ایران

میرنجف موسوی<sup>۱</sup>

دانشیار دانشگاه ارومیه

علی باقری کشکولی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۰۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۸/۲۸

## چکیده

سرمایه اجتماعی و پدیده قوم گرایی با سطح گرایشات قومی پیوند عمیقی دارد و سطح و عمق گرایشات قومی نیز به عوامل و زمینه‌های مختلفی وابسته است. بدین لحاظ سطح بندی و تعیین کم و کیف علایق قومی جهت رسیدن به همگرایی قومی از اهمیت بسزایی برخوردار است. هدف از این پژوهش، بررسی ارتباط بین مفاهیم مربوط به مسائل همگرایی و تنوع قومی و مولفه‌های سرمایه اجتماعی در بین دو قوم ترک و کرد در شهر ارومیه است. نوع تحقیق کاربردی و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری ۳۷۵ نفر از ساکنین مناطق ۴ گانه شهر ارومیه است. شاخص‌های تحقیق شامل ۳۸ شاخص سرمایه اجتماعی و ۱۱ شاخص همگرایی قومی است. یافته‌ها بر اساس بررسی سرمایه اجتماعی در مناطق شهر ارومیه نشان می‌دهد میزان سرمایه اجتماعی در شهر ارومیه به طور متوسط ۲/۶۷ (۶۳/۲۲ درصد) می‌باشد. مشارکت اجتماعی و علاقه به جامعه به میزان ۲/۷۵ (۷۵/۸ درصد) بالاترین میزان برای سرمایه اجتماعی و روابط خانوادگی اعتماد اجتماعی به میزان ۲/۵۶ (۶۱/۱ درصد) پایین‌ترین میزان را داراست. رتبه بندی مناطق شهر با بهره‌گیری از مدل تاپسیس و استفاده از روش وزن‌دهی آنتروپی نشان می‌دهد منطقه ۲ و ۳ به عنوان مناطق برخوردار و منطقه ۱ به عنوان منطقه نیمه برخوردار و یا حاشیه‌ای با میزان سرمایه اجتماعی پایین شناخته شده‌اند. بررسی همگرایی قومی کرد و ترک نیز بیان‌کننده یک رابطه معنادار بین متغیر همگرایی قومی به تفکیک هر یک از قومیت‌های کرد و ترک در شهر ارومیه است. همچنین ضریب همبستگی کندال میان قومیت پاسخگویان و احساس همگرایی قومی در سطح ۹۹٪ اطمینان برابر با ۰/۷۶ محاسبه شده است، که می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان احساس همگرایی قومی اقوام کرد و ترک در مناطق شهر ارومیه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در نهایت برای رسیدن به همگرایی اقوام کرد و ترک در مناطق شهر ارومیه با بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی راهکارهایی جهت رسیدن به انسجام اجتماعی ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، همگرایی قومی، انسجام اجتماعی، همبستگی ملی، اقوام کرد و ترک، شهر ارومیه

## مقدمه و طرح مسأله

«انسجام اجتماعی و حفظ و تداوم ثبات، نظم، یکپارچگی از مهمترین دغدغه‌های همیشگی متفکران علوم اجتماعی بوده و مباحث و نظریه‌های متعددی پیرامون آن تولید و باز تولید شده و مفهوم هویت و قومیت همواره در این رابطه مطرح بوده است» (جلایی پور و قنبری، ۱۳۸۸: ۱۶۶). «انسجام و یکپارچگی در جوامع از یکسو متأثر از کم و کیف روابط بین اقوام و از سوی دیگر متأثر از روابط دولت-قوم است که در تشکیل دولت ملی ظهور پیدا می‌کند. در نتیجه پیوند بین اجتماعات قومی با دولت ملی و چگونگی اتخاذ سیاست‌های قومی، ضمانتی برای یکپارچگی و انسجام ملی محسوب می‌گردد» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۳). قومیت با زیر عنوان‌هایی چون انفکاکات قومی، علائق قومی، گرایش‌اتواگرایانه، استقلال خواهی یا تجزیه طلبی، هویت قومی و چالش‌های قومی در مقیاس ملی، عناوینی است که نیازمند مطالعه از منظر امنیت ملی و هویت ملی است. عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر پیدایش و توسعه تمایلات واگرایانه و ایجاد بحران‌های قومی و همچنین عوامل وحدت و همگرایی ملی نیازمند بررسی و مطالعه جدی است. بنظر می‌رسد تعریف و تأکید بر دو مؤلفه مهم همگرایی ملی و پذیرش و احترام به هویت‌های قومی، چالش قومیت و امنیت را با پاسخی در خور مواجه می‌سازد. این رویکرد از عناصر فرهنگی اقوام ایرانی با ارزش‌های دیرینه در پایه گذاری بنای رفیع هویت ملی بهره می‌جوید. تعلقات قوم گرایانه و گرایش به علائق اولیه خاص همانند نژاد، زبان، مذهب و زادگاه هرگاه به عناصری جهت ایفای نقش در تحولات سیاسی جامعه تبدیل گردد، می‌تواند بعنوان پدیده‌ای سیاسی در تعامل یا تقابل با امنیت ملی مطرح شود. ایجاد همزیستی بین دو مفهوم علائق قومی و تعلقات ملی و تعریف ارتباطی منطقی بین هویت قومی و هویت ملی زمینه ساز پایداری و توازن توسعه در بعد امنیت خواهد بود (افتخاری، ۱۳۷۷، ۵۴). بنابراین وجود پدیده قوم گرایی به مثابه واقعیتی عینی، جمعی و ملموس اعم از اجتماعی و درون زا و یا برون زا، واقعیتی انکار ناپذیر است و چشم انداز متفاوتی را پیش روی این سرمایه اجتماعی گشوده است. نسبت میان سرمایه اجتماعی و پدیده قوم گرایی با سطح گرایش‌ات قومی پیوند عمیقی دارد و سطح و عمق گرایش‌ات قومی نیز به عوامل و زمینه‌های مختلفی وابسته است. بدین لحاظ سطح بندی و تعیین کم و کیف علایق قومی جهت رسیدن به همگرایی قومی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در ساده‌ترین دسته بندی؛ قوم گرایی و گرایش‌ات قومی شامل طیفی از نیروهای علاقمند به هویت‌های قومی می‌شود، که در یک سر طیف قوم گرایان میانه رو و همگرا دیده می‌شوند که ضمن پایبندی به هویت ایرانی به هویت قومی خود دلبسته‌اند و هویت قومی را در مغایرت با هویت ملی تعریف نمی‌نمایند، بلکه این هویت را مقوم هویت ملی و جزئی از سرمایه اجتماعی کلان و ملی ایرانیان می‌بینند (مقصودی، ۱۳۹۲: ۷-۸). اقوام می‌توانند با ترویج ارزش‌های مشارکت اجتماعی، علاقه فراوان به جامعه، اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری و روابط خانوادگی و دوستان در ایجاد سرمایه اجتماعی نقش فراوانی ایفا کنند. همچنین می‌توان با تأکید بر اشتراکات قومی زمینه اعتماد و تفاهم و انسجام را در میان آنها بوجود آورد. با اینحال اقوام اگر چه ممکن است بعضاً اصول و مبانی مشترک داشته باشند لیکن به دلیل ویژگی‌ها و آداب و سنن خاصی که دارند از یکدیگر متمایز هستند. اگر در هر زمانی وجوه افتراق، ارزش‌ها و اصول

متناقض اقوام مورد تاکید و مرکز توجه قرار گیرد، می تواند به تنازعات قومی دامن زند. اختلاف و تفرقه‌ی میان اقوام مختلف در یک جامعه، بیش از هر چیز هویت جمعی را تضعیف می کند و روابط اجتماعی بین گروه‌ها را تیره و به دنبال آن اعتماد و انسجام را در جامعه مخدوش و ناسازگارها و تضادهای اجتماعی را تشدید می نماید. در این مقاله ما به طرح و بررسی ارتباط بین مفاهیم مربوط به مسائل همگرایی و تنوع قومی و مولفه‌های سرمایه اجتماعی در بین دو قوم ترک و کرد در شهر ارومیه خواهیم پرداخت.

### سؤال یا سؤال‌های تحقیق

- ۱- میزان سرمایه اجتماعی در بین اقوام کرد و ترک در شهرهای مختلف استان آذربایجان غربی چقدر است؟
- ۲- سرمایه اجتماعی به چه میزان در احساس همگرایی قومی اقوام کرد و ترک در شهرهای مختلف استان آذربایجان غربی نقش دارد؟
- ۳- آیا بین احساس همگرایی قومی و سرمایه اجتماعی در بین اقوام کرد و ترک در شهرهای مختلف استان آذربایجان غربی رابطه وجود دارد؟

### چارچوب نظری یا مفهومی

#### تعریف قوم و قومیت و بحران‌های قومی

قوم، یک گروه انسانی است که از زبان، فرهنگ و روش زندگی و تمنیات گروه ویژه‌ای، در چارچوب یک شاخه بزرگ نژادی برخوردار است؛ به قسمی که حتی از دیگر گروه‌های هم‌نژاد خود قابل تشخیص است و تفکیک می‌گردد. به همین دلیل گاهی همین گروه قومی به معنی گروه ملی یا معادل آن در می‌آید (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). در این تعریف، قومیت یک پدیده فرهنگی - اجتماعی است و اقوام نیز براساس تفاوت‌های فرهنگی (نمادها، ارزش‌ها و مناسک) و تفاوت‌های اجتماعی (خصوصیات رابطه‌ای) از یکدیگر متمایز می‌شوند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۱۴). ماکس وبر به تعریفی از قومیت پرداخته که مورد پذیرش و استفاده بسیاری از محققان قرار گرفته است. طبق نظر وی، گروه‌های قومی، آن گروه‌های انسانی‌اند که یک باور ذهنی نسبت به اصل و نسب مشترکشان را به خاطر شباهت‌های فیزیکی یا سنت‌ها و یا به خاطر سرگذشت‌های استعمار یا مهاجرت می‌پذیرند. این باور باید در صورت‌بندی گروه دارای اهمیت باشد و روابط خونی مشخص در این میان اهمیتی ندارد (Weber, 1978: 83). او گروهی را که اعضایش نسبت به پیشینه تاریخی، آداب و رسوم و خاطرات مشترک، باور مشابه یا یکسانی داشته باشند را گروه قومی می‌داند (صباغ پور، ۱۳۸۱: ۱۴۷). در ارتباط با نظریه‌های سیاسی بحران‌های قومی، بُعد آسیب‌شناسی روابط قومی مطرح می‌گردد که مسائلی چون درگیری‌های قومی و همبستگی قومی را دربرمی‌گیرد (گودرزی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). اصطلاح درگیری‌های قومی نتیجه ناسازگاری فرهنگی در گروه‌ها است که همراه با افزایش ناگهانی درک هویت یک گروه از گروه دیگر افزایش می‌یابد (Roessingh, 1996: 17). در این زمینه، یکی از مهم‌ترین دلایل جدایی‌طلبی قومی و درگیری‌های قومی، درک مفاهیم هویت قومی است. قومیت می‌تواند از خصوصیات تعلق داشتن به دولت یا متعلق به یک گروه قومی معینی بهره‌مند باشد (Kellas, 1998: 6). گروه‌های قومی به عنوان گروهی از افراد تعریف می‌-

شوند که به طور کلی توسط خود و یا دیگران به عنوان یک گروه مجزا به رسمیت شناخته شده‌اند. از جمله به رسمیت شناختن بر اساس ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی (Cornell, 1998: 17). بنابراین، قومیت به شدت به مفهوم ناسیونالیسم مرتبط است. به گونه‌ای که بعداً بر همین اساس مناسبات قومی واقعی یا فرضی بنا گذاشته می‌شود (Cornell, 1998: 37). با این حال، ناسیونالیسم با ابعاد ایدئولوژیک و سیاسی (Kellas, 1998: 5) اشاره به تمایل مردم به ایجاد و حفظ یک نهاد سیاسی خود مختار دارد (Cornell, 1998: 34). وقتی که قومیت ناسیونالیستی می‌شود، در نتیجه ناسیونالیسم قومی ظهور می‌کند که به نوبه خود نه تنها می‌تواند تهدیدی برای وجود دولت باشد، بلکه منجر به درگیری‌های قومی و حتی تجزیه و فروپاشی یک دولت و جدایی طلبی قومی (به عنوان مثال یوگسلاوی) می‌شود (Smith, 1991: 21). با این تفاسیر، هرگاه در شاخص‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... تغییرات و دگرگونی‌هایی به وجود آید که در نتیجه آن، مفاهیمی چون فاصله بین قومیت‌ها و گروه‌ها، اندازه قومیت‌ها، نابرابری درآمد و بهره‌مندی از منابع و ... به وضوح خود را نشان دهند، مفاهیم جدایی طلبی قومی در سطح جامعه و دولت به وجود می‌آید (Diamond et al, 1994: 115). در این رابطه، جامعه‌شناسان برای تبیین بحران‌های قومی عمده‌تاً بر جنبه‌های ساختاری جامعه، انحصار موقعیت‌های عمده اجتماعی، توزیع نابرابر و غیرعادلانه فرصت‌ها و تبعیض اجتماعی تأکید نموده‌اند (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۷۲). یکی از این جامعه‌شناسان گوبوگلو است که پدیده غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی توسط گروه قومی مسلط و نیز تأثیر تبعیض اجتماعی بر اساس ویژگی‌های قومی و نژادی را به عنوان کشف‌های عمده خود در نظر می‌گیرد و معتقد است که این تفاوت‌های اساسی اجتماعی، قومی و طبقاتی، قوی‌ترین انگیزه را برای وقوع تنش‌های بین قومی و درگیری‌های آشکار قومی ایجاد می‌کند (Tishkov, 1991: 56). این رهیافت به دنبال آن است تا وقوع چالش‌ها و درگیری‌های قومی در آسیا، خاورمیانه و بویژه اتحاد جماهیر شوروی سابق را در قالب توزیع ناعادلانه فرصت‌ها و تبعیض اجتماعی تبیین نماید (Cuboglo, 1991: 132). علاوه بر این، طیف وسیعی از جامعه‌شناسان و نظریه پردازان توسعه و نوسازی در تجزیه و تحلیل‌ها و مقایسه‌های خود از جامعه سنتی و جامعه صنعتی بر این ادعا پای می‌فشارند که تفاوت‌ها و اختلافات قومی در روند مدرنیته شدن به تدریج رنگ خواهد باخت (سیدامامی، ۱۳۷۶: ۲۵۶). در این میان تحصیل دموکراسی، رشد صنعت، کسب رفاه اقتصادی و بالا رفتن سطح تحصیلات به از میان رفتن ساسیت‌های قومی کمک خواهد کرد (دلجو، ۱۳۹۰: ۲۸).

### همگرایی قومی

«هویت ملی و وجود یک ملت از حیاتی‌ترین مسائل یک کشور محسوب می‌شود. هرچه یک ملت دارای عوامل همبستگی بیشتری باشد، به همان مراتب وحدت و منشأ قدرت سیاسی و اقتصادی بالا بوده و آسان تر می‌تواند هویت ملی را تجلی دهد» (اخوان منفرد و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۰۴). در این راستا، تفاوت میان فرهنگ‌ها به مولفه‌هایی همانند تاریخ، زبان، اعتقادات، آداب و رسوم، نهادهای اجتماعی و نژاد بر می‌گردد. مولفه‌هایی که به خاطر پیوند نزدیکشان با یکدیگر، بر اثر گذر ایام برآیند خاصی را به وجود می‌آورند که همانا هویت ملی است (حافظ نیا و

همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳). این هویت ملی بر پایه بنیادهای جغرافیایی و پایداری سرزمین، حاکمیت و ساختار سیاسی، تداوم تاریخی و بنیادهای فرهنگی می‌باشند به عنوان بنیادهای پایدار همگرایی اقوام محسوب می‌شوند (افضلی و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۸۰). با در نظر گرفتن این نکته که مرزهای قومی هنگامی که درهم تنیده هستند و یا ارتباط و همبستگی زیادی با هم ندارند بسیار مسئله ساز می‌شوند (Blau, Beeker and Fitzpatrick, 1984: 195) تنها راه همانندسازی گروه‌های قومی و اقلیت‌ها با فرهنگ اکثریت، اغلب از طریق توسعه اقتصادی و گسترش حقوق دموکراتیک امکان پذیر خواهد شد. زیرا از طریق تلاش برای همگرایی است که راه حل دراز مدت رقابت قومی به دست می‌آید. البته همگرایی از تلاش‌های ناظر به همانند کردن صرف گروه‌ها در فرهنگ اکثریت فراتر می‌رود. موفقیت در چنین امری نیازمند تساهل و شاید حتی تکریم - و قبول تنوع در درون کشور است. بدین طریق به پیشرفت همزیستی مسالمت آمیز بین گروه‌های اقلیت و قومیت‌ها کمک می‌شود. افزایش حقوق اقلیت‌ها در جوامع چند قومی به تحقق دموکراسی کمک می‌کند و حتی ظهور و رشد جامعه مدنی، مبتنی بر تحرک اجتماعی غیرقومی و امکان پیدایش فرصت‌های شغلی را فراهم می‌سازد که خود می‌تواند به پیشرفت همگرایی ملی و تامین حقوق دموکراتیک افراد و گروه‌ها منجر شود (کریمی مله، ۱۳۷۸: ۱۴۱). همبستگی ملی در مفهوم عام، محصول کارکرد و تعامل متناسب مردم، دولت و نهادهای اجتماعی است و با مفهوم مشروعیت پیوند ناگسستنی دارد که از وفاق، وحدت، یکپارچگی و انسجام اجتماعی نشأت می‌گیرد. حس همبستگی ملی، احساسی است که مفهوم تعیین هویت و وفاداری را در بردارد، بدین ترتیب در حس همبستگی ملی احساس مشترکی میان سرزمین و مردمان مختلف آن بوجود می‌آید بدون آنکه آنها از لحاظ فرهنگی و فضایی به هم نزدیک باشند. در نتیجه، پیش زمینه تقویت همبستگی ملی در یک جامعه، وجود شناخت مشترک خرده فرهنگ‌ها از یکدیگر است (جهانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

### سرمایه اجتماعی

تا به حال تعاریف متعددی از مفهوم سرمایه اجتماعی توسط صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف علوم انسانی ارائه شده است. اما فوکویاما نشان داد که بسیاری از تعاریف تنها به آشکارسازی سرمایه اجتماعی به جای مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. از نظر وی سرمایه اجتماعی به هماهنگی و تعادل داخلی و فرهنگی جامعه، هنجارها، ارزش‌ها و نیز تعاملات دولت با مردم و سازمان‌ها که در درون جامعه جای گرفته‌اند، اشاره دارد. در واقع سرمایه اجتماعی زنجیری است که جامعه را به یکدیگر متصل نگه می‌دارد و بدون آن هیچگونه رشد اقتصادی نخواهد داشت و جامعه به طور وحشتناکی از هم فرو خواهد پاشید (Fukuyama, 2001: 7). فوکویاما در تعریف دیگری سرمایه اجتماعی را مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی می‌داند که اعضای گروهی که تعاون و همکاری میان‌شان مجاز است در آن سهیم و ذینفع هستند. وی همچنین بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی عبارتست از توانایی‌های افراد برای کار کردن با یکدیگر به منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌ها. سرمایه اجتماعی معلول و گسترش دهنده سه مولفه مهم اعتماد اجتماعی، ارتباطات شبکه ای (انسجام اجتماعی) و هنجارها

(مشارکت اجتماعی) است. وابستگی و ارتباط متقابل و محکمی با سرمایه فیزیکی، اقتصادی و انسانی دارند که به تسریع توسعه اقتصادی، فرهنگی و اطلاعاتی و رشد و بالندگی جامعه یاری می‌رساند و موجب ایجاد حس همکاری، همیاری و مشارکت میان اعضای جامعه می‌شود (Fukuyama, 1995: 10). پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مؤلفه، به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید؛

الف: شبکه‌ها: پاتنام، مانند دیگر نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به عنوان خاستگاه دو مؤلفه‌ی دیگر سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد.

ب: هنجارهای همیاری: پاتنام نوع خاصی از هنجارهای همیاری را مولدترین جزء سرمایه اجتماعی می‌داند و حتی آن را ملاک سرمایه اجتماعی می‌نامد.

ج: اعتماد: یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اعتماد، از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیکان با دیگران حاصل می‌شود (Putnam, 2000: 6).

سرمایه اجتماعی دارای دو سطح است، یکی در سطح خرد: سرمایه اجتماعی در برگیرنده شبکه‌ها و هنجارهای است که تعاملات بین افراد، خانوارها و را تسهیل می‌کند. در سطح میانه و کلان، کارکرد نهادها، قواعد حقوقی و حکومت، سرمایه اجتماعی را می‌سازند هر سطح یاد شده نفوذ عمده‌ای بر سیاست عمومی دارند (svendsa, 2006). دیوید هالپرن، سرمایه اجتماعی مفهومی توسعه یافته است که شامل سطح میانه از اجتماعات سنتی و خرد از شبکه‌های اجتماعی می‌گردد، که عادات زندگی در آنها عمومیت داشته با فرهنگ ملی و منطقه‌ای که ادامه زندگی مردم را امکانپذیر می‌سازد (halpern, 2005: 9). چهار بعد سرمایه اجتماعی در سطح خرد به شرح زیر مشخص و مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱- شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی ۲- اعتماد ۳- مشارکت ۴- کنش‌های یاری‌گرانه (stone, 2004: 18).

با تقسیم‌بندی در دو بعد ساختار و محتوا و یا جنبه‌های کیفی و کمی آن، سرمایه اجتماعی را می‌توان مشتعل بر دو جزء اعتماد و پیوند در قالب پیوندهای عینی و پیوندهای ذهنی به شرح ذیل دانست:

۱- پیوندهای عینی: این بخش از سرمایه اجتماعی، نوعی ساختار شبکه‌ای عینی را بیان می‌دارد که بر اساس آن افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند.

۲- پیوندهای ذهنی: این جزء سرمایه اجتماعی حکایت از آن دارد که پیوندهای بین افراد می‌باید دارای ماهیت متقابل، مبتنی بر اعتماد و دارای هیجانات مثبت باشد (شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

در نتیجه، اگر سرمایه‌ی اجتماعی را شبکه‌ای از ارزش‌ها، افکار، تمایلات و رفتارهایی بدانیم که موجب اعتماد، تفاهم و همدلی میان افراد یک گروه می‌شود و در نتیجه گروه آسانتر و سریعتر به اهداف خود دست پیدا می‌کند. اختلاف، تفرقه و پراگندگی یکی از زمینه‌های اصلی نابودی سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشد زیرا بذر سوء ظن،

بدبینی، بی اعتمادی، نفرت و کینه را در جامعه می گستراند. در جامعه ای که اختلافات فرهنگی، قومی، نژادی و مذهبی وجود دارد، تشدید این اختلافات می تواند به فروپاشی و انحطاط جامعه بیانجامد (علیزاده گل سفیدی، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

### انسجام اجتماعی

جامعه ایران، جامعه ای چند قومی و در حال گذر است و مسئله نظم و انسجام اجتماعی از مسائل اساسی و پراهمیت آن محسوب می شود (یوسفی، ۱۳۸۵: ۱۳). انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان یک جامعه دارد. به عبارتی انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه ها و خرده فرهنگ های تمایز یافته است (گل شیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۳). «انسجام اجتماعی نتیجه تعامل پویا و متقابل سرمایه اجتماعی و نیز نابرابری و محرومیت است. برای مثال، کاهش فقر و در نتیجه، دسترسی بهتر افراد به تغذیه مناسب، می تواند از یک طرف منجر به افزایش امکان تحصیل در قشر فقیر جامعه و در نتیجه افزایش بهره وری و امکان دسترسی به درآمدهای بالاتر، کاهش شکاف طبقاتی و کاهش نابرابری در توزیع فرصت ها و در نتیجه افزایش انسجام اجتماعی گردد. همچنین هر چه توزیع ثروت و دارایی از منظر افراد یک جامعه، عادلانه تر به نظر آید، میزان همبستگی اجتماعی و پایداری افراد به داشتن جامعه ای سالم بیشتر خواهد بود. علاوه بر این، کاهش فقر می تواند موجب افزایش قابلیت و توانایی افراد در حوزه های مختلف و در نتیجه، افزایش مشارکت و حضور فعال در جامعه شود. همچنین افزایش سطح آموزش های عمومی و سلامت فکری و جسمی افراد، بر میزان پایداری آنان به ارزش های اخلاقی و اجتماعی تأثیر می گذارد و مجموع عوامل مذکور، موجب افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش نابرابری و به تبع آن، افزایش انسجام اجتماعی می گردد» (کریمی موغاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

بنابراین زمانی از انسجام اجتماعی سخن به میان می آید که ارتباط افراد جامعه بر اساس باورها، ارزش ها، هنجارها، قواعد و قوانین مشترک شکل بگیرد. از دیدگاه قرآن کریم، برای تقویت انسجام اجتماعی در دنیای امروزی، هم باید به مؤلفه های انسجام ناشی از همانندی توجه کرد و هم به تقسیم کار به عنوان اساسی ترین مؤلفه انسجام اجتماعی مبتنی بر تمایز نظر داشت و نیز می بایست عوامل مقوم و مخل انسجام اجتماعی را شناخت (نظری، ۱۳۹۰: ۳۵) (نمودار ۱).

### ضعف انسجام ملی «همگرایی و واگرایی»

گوناگونی و تنوع قومی در ایران موجب گردیده که حفظ انسجام ملی به یک موضوع مهم برای حکومت های مرکزی تبدیل گردد. تا جایی که رژیم های مستبدی همچون حکومت پهلوی برای تثبیت حاکمیت خود در اندیشه حذف تمایزات فرهنگی اقوام و یکسان سازی فرهنگی و طی فرایند ملت سازی از طریق تأکید بر پوشش و گویش واحد در سرتاسر فضای سرزمینی بوده اند. تحقیر قومیت ها، اسطوره سازی، آرکائیسم یا باستان گرایی، ترویج فرهنگ غربی و سرکوب تحركات قومی مهمترین سیاست های حکومت پهلوی برای مواجهه با تنوع قومی در ایران بشمار می رود. در نقطه مقابل آن ضعف مفرط پادشاهان قاجار در حفظ انسجام ملی، ظهور قدرت های محلی و گروه های خودمختاری

طلب یا تجزیه خواه و سیطره دولت‌های روس و انگلیس را برشمال و جنوب کشور موجب گردیده بود. در بررسی علل عوامل وحدت یا تفرق مردم ایران شناخت نیروهای همگرایی و واگرایی می تواند موثر باشد. برخی از این عوامل و نیروها به قرار ذیل‌اند:

#### الف - نیروهای واگرایی

##### ۱-الف - ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی

استقرار اقلیت‌های در بخش حاشیه ای کشور و مجاورت دنباله‌های فرامیزی برخوردار از دولت مستقل ملی، ضریب آسیب پذیری دولت ملی و سرزمین ایران را بالا برده است.

##### ۲-الف - ساختار توپوگرافیک ایران

ساختار توپوگرافیک غیر منسجم و گسیخته، موجبات شکل دهی و تقویت خرده فرهنگ‌ها را فراهم آورده است.

##### ۳-الف - عدم توازن در مشارکت ملی اقلیت‌ها

بخش‌های پیرامونی سهم کمتری نسبت به بخش‌های مرکزی در ایفای نقش ملی دارند و بخش مرکزی بعلت پاره ای تمایلات واگرایانه به بخش پیرامونی دیدگاهی توأم با بدبینی دارد لذا تعامل ملی بین این دو بخش به خوبی برقرار نمی شود.

##### ۴-الف - سیستم ارتباطی نامتناسب

##### ۵-الف - بی عدالتی جغرافیایی و فضایی

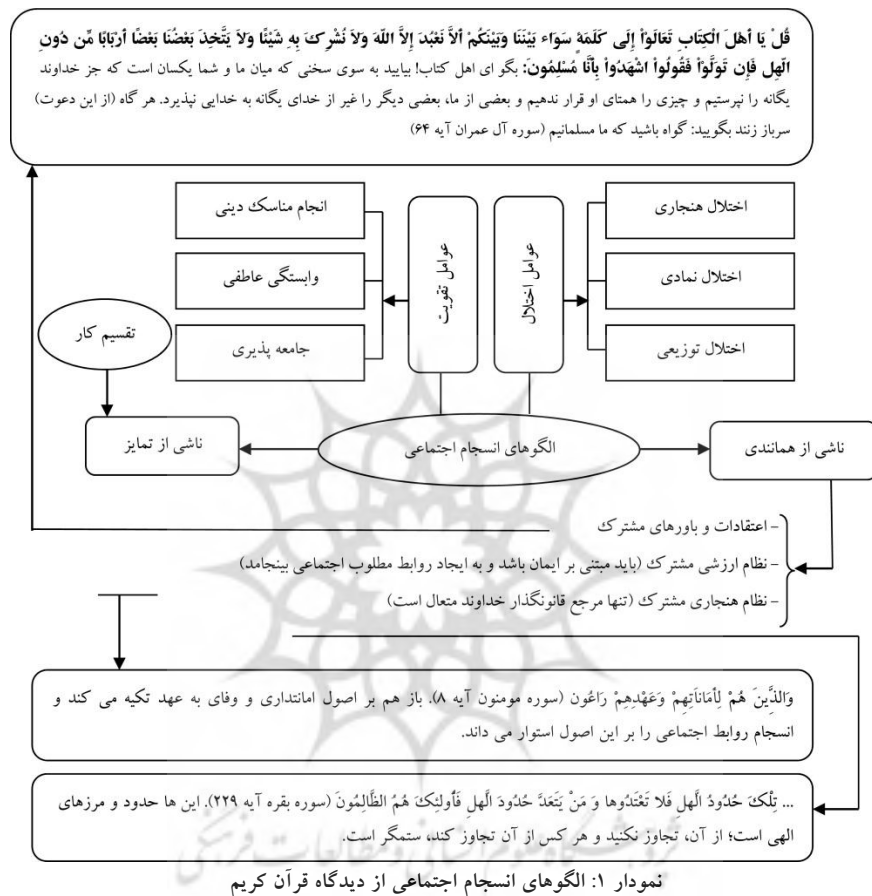
ایران دارای ساختار فضایی مرکز پیرامونی هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه ای و محلی است. در سطح کلان ملی، بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامونی از توسعه یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است.

#### ب- نیروهای همگرایی

۱- اشتراک در لایه‌های مختلف خصیصه‌های بخش مرکزی، ۲- ریشه تاریخی مشترک، ۳- فرهنگ مشترک ملی ۴- دین و مذهب، ۵- مفاخر ملی، ۶- آرمان سیاسی مشترک، ۷- نمادهای ملی، ۸- اقتدار حکومت مرکزی، ۹- تهدیدات خارجی (تهدیدات خارجی که تمامیت ارضی و امنیت ملی را هدف قرار دهد می تواند با ایجاد جبهه واحد به همگرایی ملی کمک نماید (حافظ نیا، ۱۳۸۱). امروز می‌توان با سرمایه‌گذاری در تقویت این دو عامل همگرایی ملی زمینه را برای پذیرش تنوع و تکثر فرهنگی فراهم نمود و هویت ملی را با تکیه بر هویت تاریخی ایرانی و هویت اسلامی بگونه ای طراحی نمود که هویت‌های قومی و ارزش‌های ساری در خرده فرهنگ‌های قومی بعنوان اجزای تشکیل دهنده هویت ملی مطرح و حمایت شوند. بی تردید در جریان حاکمیت فرهنگ جهانی و اهمتامی که به تسری فرهنگ آمریکایی در مقیاس جهانی وجود دارد اتکا و اتکال به داشته‌های فرهنگ خودی زمانی امکان پذیر است که از تخریب خرده فرهنگ‌های قومی پرهیز شود و احیاء و تقویت اصول و ارزش‌های انسانی که ریشه در باورها و تعالیم دینی دارند مورد اهتمام واقع شود. تا با عنایت به ارزش‌های ملی و اسلامی به طراحی نظام



جامع هویت ملی اقدام گردد. در غیر این صورت از بین رفتن بن مایه‌های فرهنگی قومی به تحلیل و تضعیف هویت ملی منجر و در سایه حاکمیت رسانه‌های دیداری و شنیداری که غالباً تحت حاکمیت استعمار فرهنگی غربی است در اندک زمان شاهد استیلای ارزش‌های غربی در سطحی گسترده در جامعه اسلامی خواهیم بود (Williams, 2003).



منبع: نگارندگان

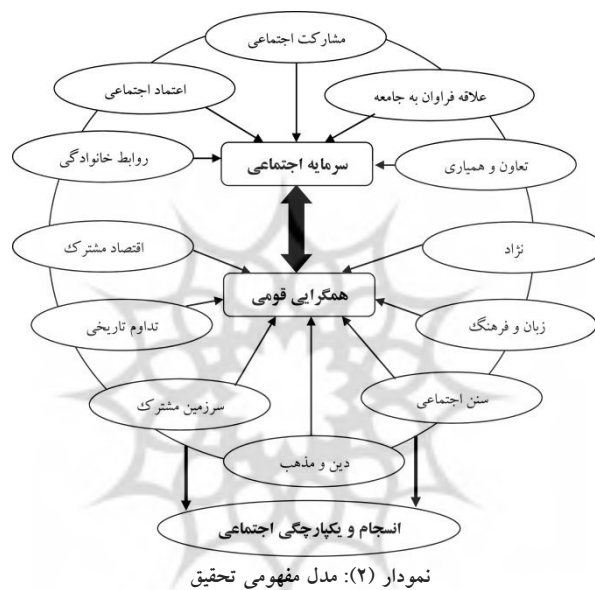
## روش تحقیق

توجه به اهداف تحقیق و مؤلفه‌های مورد بررسی نوع تحقیق کاربردی و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری مناطق شهر ارومیه بر اساس تقسیمات شهرداری‌ها می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات برای بررسی رابطه سرمایه اجتماعی شامل شاخص‌های مشارکت اجتماعی، علاقه فراوان به جامعه، اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری و روابط خانوادگی و دوستان و شاخص‌های همگرایی قومی شامل همگرایی به لحاظ بنیادهای جغرافیایی و پایداری سرزمین، همگرایی درحاکمیت و ساختار سیاسی، تداوم تاریخی، بنیادهای فرهنگی از قبیل زبان، نژاد، دین و... و همگرایی در برگزاری آداب و رسوم است که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری کلیه افراد بالای ۱۸ در بین اقلیت‌های قومی کرد و ترک در مناطق شهر ارومیه بودند که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی از سطح مناطق چهارگانه شهر جمع‌آوری شده است. در ادامه با استفاده از فرمول کوکران و ضریب خطای ۰/۰۵

حجم نمونه ما ۳۷۵ نفر انتخاب شد و نهایتاً اینکه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی پرسشنامه‌ها به صورت مصاحبه‌ای پر شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت‌رزیابی میزان برخورداری مناطق شهر ارومیه از سرمایه اجتماعی از مدل تاپسیس استفاده شده است. همچنین برای ارتباط بین متغیرها، آزمون‌های آمار استنباطی مانند ضریب همبستگی، رگرسیون چندمتغیره به کار برده شده است.

### مدل مفهومی تحقیق

با توجه به مولفه‌های تحقیق، ارتباط مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و همگرایی قومی و نقش آنها در انسجام و یکپارچگی اجتماعی در مناطق شهر ارومیه در (نمودار ۲) نمایش داده شده است.



### محدوده تحقیق

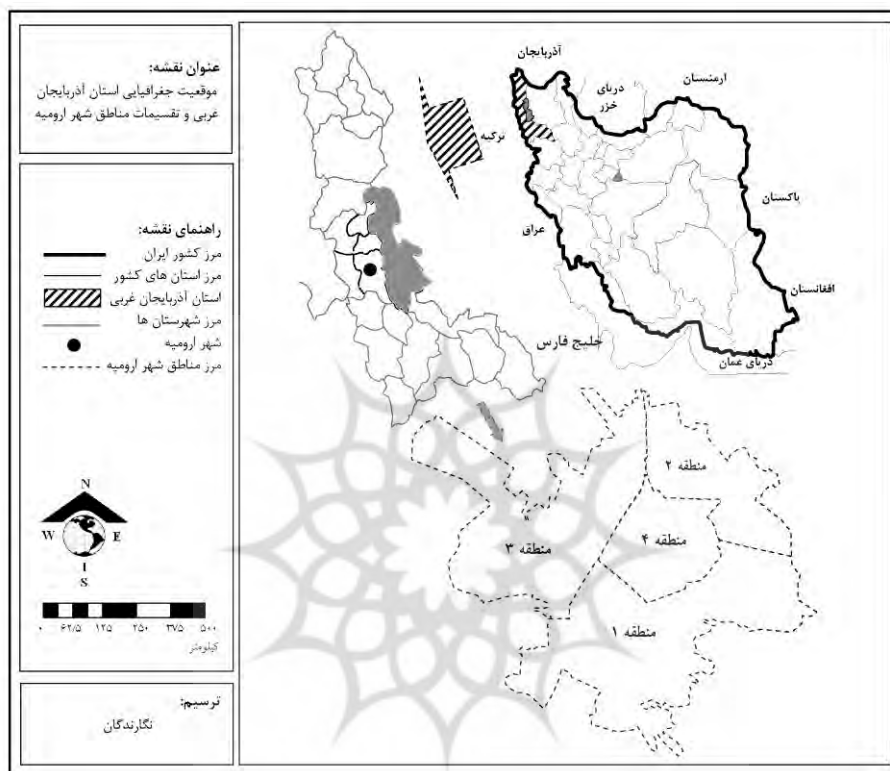
بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، شهر ارومیه دارای ۶۶۷۴۹۹ جمعیت بوده که نسبت به سال ۱۳۸۵ تعداد ۶۳۴۹۹ نفر جمعیت به این شهر افزوده شده است. بر اساس تقسیمات شهرداری، این شهر دارای چهار منطقه بوده که منطقه یک بیشترین میزان جمعیت و منطقه چهار کمترین میزان جمعیت را در خود جای داده‌اند. یکی از جلوه‌های مدنی و زیبای شهر ارومیه، اختلاط اقوام مختلف در این شهر است. ساکنین شهر ارومیه را ترک‌ها، کردها، اقلیتی از آشوری‌ها و ارمنی‌ها تشکیل می‌دهند که همه به صورت بسیار صمیمانه و برادرانه در کنار هم در این شهر زندگی می‌کنند. در بین مناطق چهارگانه شهر ارومیه، مناطق ۳ و ۴ غالباً محل سکونت اقوام کرد و مناطق ۱ و ۲ نیز محل سکونت اقوام ترک می‌باشد (نقشه ۱).

### یافته‌های تحقیق

#### بررسی سرمایه اجتماعی در مناطق شهر ارومیه

بر اساس یافته‌های تحقیق سرمایه اجتماعی در مناطق شهر ارومیه به طور متوسط به میزان ۲/۶۷ (۶۳/۲۲ درصد) می‌باشد. ابعاد سرمایه اجتماعی را در مناطق شهر ارومیه به تفکیک نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، مشارکت

اجتماعی و علاقه به جامعه به میزان ۲/۷۵ (۷۵/۸ درصد) بالاترین میزان برای سرمایه اجتماعی را به خود اختصاص داده است و روابط خانوادگی اعتماد اجتماعی به میزان ۲/۵۶ (۶۱/۱ درصد) پایین‌ترین میزان را داراست. در بین مناطق شهر ارومیه بیشترین میزان سرمایه اجتماعی متعلق به منطقه ۲ که حدود ۷۸/۴ درصد و کمترین میزان مربوط به منطقه ۱ در حدود ۴۱/۲ درصد است (جدول ۱).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان غربی و تقسیم بندی مناطق شهر ارومیه

جدول ۱: میزان سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در مناطق شهر ارومیه

رتبه	سرمایه اجتماعی	مؤلفه نهایی سرمایه اجتماعی					
		روابط خانوادگی و دوستان	تعاون اجتماعی	اعتماد اجتماعی	علاقه به جامعه	مشارکت اجتماعی	منطقه
۴	۸/۹	۱/۳	۲/۱	۱/۴	۱/۶	۲/۴	۱
۱	۱۷/۲	۳/۷	۳/۵	۳/۱	۳/۹	۳/۱	۲
۲	۱۴/۵	۳/۱	۲/۸	۳/۱	۲/۶	۲/۹	۳
۳	۱۲/۳	۳	۲/۲	۲/۷	۲/۱	۲/۳	۴

منبع: یافته‌های تحقیق

با بهره‌گیری از مدل تاپسیس (اصغرپور، ۱۳۸۷: ۲۷۰-۲۱۳) و استفاده از روش وزن‌دهی آنتروپی (اکبری و زاهدی، ۱۳۸۷، ۴۸-۴۱) به رتبه‌بندی مناطق شهر ارومیه از لحاظ سرمایه اجتماعی در شاخص‌های مشارکت اجتماعی، علاقه فراوان به جامعه، اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری و روابط خانوادگی و دوستان مبادرت گردید، برابر بررسی‌های صورت گرفته منطقه ۲ و ۳ به عنوان مناطق برخوردار شناخته شدند. این مناطق از لحاظ شاخص‌های سرمایه اجتماعی بالاترین میزان را در بین مناطق شهر ارومیه به خود اختصاص داده‌اند. منطقه ۱ به عنوان منطقه حاشیه‌ای با میزان سرمایه اجتماعی پایین شناخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد مناطقی که از نظر برخورداری از سرمایه

اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند دارای بیشترین میزان همگرایی قومی نیز می‌باشند. همچنین منطقه یک که از نظر سرمایه اجتماعی پایین می‌باشد که این امر در میزان همگرایی اقوام نیز تاثیر گذاشته است به طوری که در اکثر مولفه‌های سرمایه اجتماعی میزان پایینی را به خود اختصاص داده‌اند. لازم به ذکر است که این منطقه جزء مناطق مهاجرپذیر و حاشیه نشین و فقیر شهری محسوب می‌شوند و عدم همگرایی قومی در این منطقه صرفاً در شاخص‌هایی چون اعتماد اجتماعی بوده است که آن هم تحت تاثیر میزان مهاجرت به این منطقه، عدم شناخت افراد از همدیگر و وضعیت اقتصادی افراد و خانواده‌ها تا حدودی کم‌رنگ شده است اما در مولفه‌های اساسی چون مشارکت اجتماعی، تعاون و همکاری و علاقه فراوان به جامعه یک همبستگی و انسجام نسبتاً خوب در بین ساکنین منطقه وجود دارد. نقشه (۲) میزان برخورداری از سرمایه‌های اجتماعی را در مناطق مختلف شهر ارومیه نشان می‌دهد.



### بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی در همگرایی اقوام کرد و ترک

برای بدست آوردن ارتباط بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، علاقه فراوان به جامعه، اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری و روابط خانوادگی و دوستان) در همگرایی اقوام کرد و ترک در مناطق شهر ارومیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد بین همگرایی اقوام کرد و ترک و سرمایه اجتماعی به میزان ۰/۸۸۱ با سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه وجود دارد. برای بدست آوردن رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی و همگرایی اقوام کرد و ترک در مناطق شهر ارومیه از ضریب رگرسیون استفاده می‌گردد.

با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و استفاده از ضریب رگرسیونی (کلاتری، ۱۳۸۲: ۱۸۱-۱۸۵) عوامل و ابعاد تأثیرگذار سرمایه اجتماعی در همگرایی اقوام ترک و کرد در مناطق ۴ گانه شهر ارومیه مشخص گردید. نتایج حاصله حکایت از آن دارد که از بین ابعاد پنج‌گانه، مشارکت اجتماعی، تعاون و همیاری و علاقه به جامعه دارای رابطه معنادار با همگرایی اقوام ترک و کرد می‌باشند و علاقه به جامعه، اعتماد اجتماعی به دلیل ارتباط ضعیف با همگرایی اقوام ترک و کرد معنادار نمی‌باشد (جدول ۱۰). ابعاد پنج‌گانه داده شده به مدل به میزان ۶۸/۲ درصد از تغییرات همگرایی اقوام ترک و کرد را در مناطق چهار گانه شهر ارومیه تبیین می‌کنند و مابقی واریانس‌ها به وسیله عوامل ناشناخته که در این تحقیق نیامده است، تبیین و پیش‌بینی می‌شوند (جدول ۲).

جدول ۲: آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه رابطه سرمایه اجتماعی و همگرایی اقوام ترک و کرد در مناطق شهر ارومیه

خطای معیار	ضریب تبیین شده تصحیح شده	ضریب تبیین	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۰۸۴۲	۰/۶۸۲	۰/۶۱۷	۰/۸۸۱

منبع: یافته‌های تحقیق

(جدول ۳) تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه و میزان F نیز معنی داری ابعاد سرمایه اجتماعی را در تبیین میزان همگرایی اقوام ترک و کرد در مناطق شهر ارومیه را تأیید می‌نماید.

جدول ۳: تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه ارتباط سرمایه اجتماعی و همگرایی اقوام ترک و کرد در مناطق شهر ارومیه

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معنی داری
اثر رگرسیون	۰/۶۱۴	۱۱۸	۰/۰۴۹	۵/۳۱۸۴	۰/۰۰۱
باقیمانده	۰/۱۰۸	۲۵۷	۰/۲۸۳		
کل	۰/۷۲۲	۳۷۵	-		

منبع: یافته‌های تحقیق

با نگاهی به مقادیر B روشن است که یک واحد تغییر در ابعاد مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، علاقه فراوان به جامعه، تعاون و همیاری و روابط خانوادگی و دوستان به ترتیب به اندازه ۰/۰۲۴، ۰/۰۷۱، ۰/۰۶۶، ۰/۰۲۸، ۰/۰۹۱ و واحد تغییر در همگرایی اقوام ترک و کرد در مناطق چهارگانه شهر ارومیه ایجاد خواهد شد (جدول ۴).

جدول ۴: آماره‌های ضرایب رگرسیونی ابعاد سرمایه اجتماعی در مناطق شهر ارومیه

نام متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		سطح معنی داری
	B	خطای B	B	F	
عرض از مبدأ	۰/۶۱۲	۰/۱۰۱	-	۱/۰۱۸	۰/۰۵۱
مشارکت اجتماعی	۰/۵۰۴	۰/۰۲۸	۰/۴۱۳	۱/۴۱۲	۰/۰۲۴
علاقه فراوان به جامعه	۰/۳۰۸	۰/۱۴۶	۰/۲۱۹	۱/۲۰۳	۰/۰۶۶
اعتماد اجتماعی	۰/۱۰۲	۰/۰۱۳	۰/۰۶۷	۱/۰۱۱	۰/۰۷۱
تعاون و همیاری	۰/۲۱۶	۰/۱۲۷	۰/۱۹۳	۱/۱۴۶	۰/۰۲۸
روابط خانوادگی و دوستان	۰/۴۱۸	۰/۰۹۱	۰/۳۱۷	۱/۰۷۴	۰/۰۹۱

منبع: یافته‌های تحقیق

### بررسی میزان همگرایی اقوام ترک و کرد در شهر ارومیه

با توجه به جدول (۵) می‌توان گفت که به لحاظ همگرایی قومی در متغیرهای بنیادهای جغرافیایی، حاکمیت و ساختار سیاسی، پیشینه و سابقه زندگی در کنار یگدیگر، شاخص‌ها و بنیادهای فرهنگی از قبیل: زبان، نژاد، دین و... و همگرایی در برگزاری آداب و رسوم، شهر ارومیه دارای همگرایی چشمگیری است

جدول ۵: میزان همگرایی قومی و مولفه‌های آن در شهر ارومیه

شهرها	مولفه‌های همگرایی قومی					جمع میانگین
	همگرایی به لحاظ بنیادهای جغرافیایی و پایداری سرزمین	همگرایی درحاکمیت و ساختار سیاسی	تداوم تاریخی	بنیادهای فرهنگی از قبیل زبان، نژاد، دین و...	همگرایی در برگزاری آداب و رسوم	
ارومیه	۸۳	۹/۹	۱۲/۷۰	۸/۶	۱۱/۲	۵۰/۷
جمع	۱۰۰					

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۶: میانگین متغیرهای همگرایی قومی به تفکیک دو قوم کرد و ترک

قومیت آماره مورد بررسی	میانگین	تعداد	انحراف معیار	معناداری
قوم کرد	۳۳۵۶۱	۳۷۵	۴/۲۵۴۸۱	۰/۰۰۰
قوم ترک	۳۳۷۱۲	۳۷۵	۴/۴۸۴۹۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۷: آماره‌های متغیر همگرایی قومی قومیت‌های کرد و ترک در شهر ارومیه

میزان همگرایی قوم	همگرایی قومی					جمع
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
کرد	۳۱.۲	۲۵.۰	۲۳.۰	۱۴.۶	۶.۲	۱۰۰.۰
ترک	۳۵.۷	۲۱.۹	۲۱.۰	۱۷.۳	۴.۰	۱۰۰.۰
Kendall's tau_b = .76 Sig = .000			Mann-Whitney test: z = 2.31 Sig = 0 /000			

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق اطلاعات به دست آمده از جداول ۷ می‌توان گفت که یک رابطه معنادار بین متغیر همگرایی قومی به تفکیک هر یک از قومیت‌های کرد و ترک در شهر ارومیه وجود دارد. مطابق یافته‌های به دست آمده از داده‌های آماری سطح معناداری آزمون از مقدار ۰/۰۵ کمتر می‌باشد (۰/۰۰۰) بنابراین می‌توان گفت که یک رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. در میان آزمون‌های آماری، آزمون مان-ویت‌نی رابطه میان یک متغیر مستقل دوپاسخه و یک متغیر وابسته رتبه‌ای را بررسی می‌کند. در واقع این آزمون ناپارامتری جانشین آزمون t به شمار می‌رود. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که در مورد احساس همگرایی قومی و قومیت پاسخگویان، هر دو بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشند در نتیجه رابطه معنادار میان سرمایه اجتماعی بر حسب هر یک از قومیت‌های کرد و ترک، تایید می‌شود. در عین حال برای پی بردن به معنای دقیق‌تر رابطه فوق، می‌توان به محاسبه ضریب همبستگی پرداخت. از آنجایی که متغیر مستقل ما یک متغیر اسمی دو پاسخه (کرد=۰ و ترک=۱) است، می‌توان از ضرایب مربوط به متغیرهای رتبه‌ای استفاده نمود. ضریب همبستگی Kendall's tau\_b میان قومیت پاسخگویان و احساس همگرایی قومی در سطح ۹۹٪ اطمینان برابر با ۰/۷۶ محاسبه شده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان احساس همگرایی قومی اقوام کرد و ترک در مناطق شهر ارومیه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

تنوع قومی چالش‌هایی را برای کشور به‌همراه دارد که برخی در قالب تهدید و برخی دیگر به شکل فرصت ظهور و بروز می‌یابند. بدیهی است مدیریت عالی نظام می‌بایست به هر دو وجه این چالش‌ها استراتژی متناسبی طراحی و

اتخاذ نماید. برای تک تک تهدیدات محتمل برنامه‌های پیشگیرانه و کنترلی طراحی نماید و برای توسعه فرصتهای ناشی از تنوع قومی نیز تدابیر و سیاست‌های لازم را تدوین نماید. موضوع بسیار مهم مورد تأکید معطوف به توسعه نقش منطقه‌ای نظام اسلامی از ره آورد تلقی فرصتی است که زبانه‌های فرامرزی اقوام ایرانی پدید می‌آورند. در جامعه ایرانی که موزائیکی از همنشینی و همزیستی اقوام گوناگون در قالب ملتی واحد و کشوری یکپارچه است توجه به اقوام و مسائل مربوط به قومیت‌ها به عنوان نقطه قوت و سرمایه ملی مهم بوده و هر تهدیدی پیرامون مسأله قومیت تهدیدی برای منافع و امنیت ملی بشمار می‌رود. امروزه عدم آشنایی اقوام به حقوق خود و همچنین فرهنگ و آداب و رسوم یکدیگر باعث گردیده است که فاصله جدی بین آنان به وجود آید و تعارضات بسیار شدیدی بین لایه‌های قومی از دیدگاه فرهنگی درگیرد. برای جلوگیری از وقوع این‌گونه مسائل، باید زمینه مشارکت عمومی در داخل جامعه، فارغ از نوع قومیت، مذهب، زبان، نژاد و فرهنگ فراهم شود. استان آذربایجان غربی و به ویژه شهر ارومیه، فرهنگ‌ها، اقوام، ادیان و مذاهب متنوعی در خود جای داده است. با همه پیوندهای تاریخی و اشتراکات فراوان این گروه‌ها، در مواقعی احساس هویت جمعی و ایرانی بودن آنان بسیار شکننده می‌شود و همین ضعف نیز همواره روزنه‌ی نفوذ، دسیسه چینی و تفرقه افکنی بیگانگان بوده است و از آن به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور و به ویژه استان آذربایجان غربی استفاده کرده‌اند. در نتیجه همواره بخشی از توان و استعداد کشور و استان که می‌توانست صرف توسعه و سازندگی شود، به این امور مشغول بوده است از سوی دیگر فضای بی‌اعتمادی و ناامنی در جامعه، نه تنها مانع از وحدت ملی و انسجام اجتماعی شده است بلکه بزرگترین مانع و معضل در راه توسعه بوده است. درحالی‌که اعتماد بین اقوام و نژادها یک امر مهم راهبردی و موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود. باید دید چه شرایط و زمینه‌هایی وجود دارد که می‌تواند بی‌اعتمادی و شکاف میان اقوام ایرانی را ایجاد و گسترش دهد که نیازمند تدوین راهبردهایی جهت از بین بردن این شکاف‌ها و ایجاد انسجام اجتماعی است. این مقاله با دیدی کاربردی به بررسی ارتباط بین مفاهیم مربوط به مسائل همگرایی و تنوع قومی، تنوع قومی و مولفه‌های سرمایه اجتماعی در بین دو قوم ترک و کرد در شهر ارومیه پرداخته است. بر اساس یافته‌های تحقیق سرمایه اجتماعی در مناطق شهر ارومیه به طور متوسط به میزان  $2/67$  (۶۳/۲۲ درصد) می‌باشد. ابعاد سرمایه اجتماعی را در مناطق شهر ارومیه به تفکیک نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، مشارکت اجتماعی و علاقه به جامعه به میزان  $2/75$  (۷۵/۸ درصد) بالاترین میزان برای سرمایه اجتماعی را به خود اختصاص داده است. در بین مناطق شهر ارومیه بیشترین میزان سرمایه اجتماعی متعلق به منطقه ۲ که حدود  $78/4$  درصد و کمترین میزان مربوط به منطقه ۱ در حدود  $41/2$  درصد است. همچنین بررسی نتایج مدل تاپسیس و استفاده از روش وزن‌دهی آنتروپی نشان می‌دهد که منطقه ۲ و ۳ به عنوان مناطق پرخوردار محسوب می‌شوند. این مناطقاز لحاظ شاخص‌های سرمایه اجتماعی بالاترین میزان را در بین مناطق شهر ارومیه به خود اختصاص داده‌اند. منطقه ۱ نیز به عنوان منطقه حاشیه‌ای با میزان سرمایه اجتماعی پایین شناخته شده است. نتایج حاصله از از ضریب رگرسیون‌میشخص کرد که بین ابعاد پنج‌گانه، مشارکت اجتماعی، تعاون و همیاری و علاقه به جامعه دارای رابطه معنادار با همگرایی اقوام ترک و کرد

می‌باشند و علاقه به جامعه، اعتماد اجتماعی به دلیل ارتباط ضعیف با همگرایی اقوام ترک و کرد معنادار نمی‌باشد. به لحاظ همگرایی قومی نیز شهر ارومیه دارای همگرایی چشمگیری است چرا که نتایج حاصل از آزمون نشان داد که در مورد احساس همگرایی قومی و قومیت پاسخگویان، هر دو بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشند در نتیجه رابطه معناداری میان سرمایه اجتماعی بر حسب هر یک از قومیت‌های کرد و ترک وجود دارد.

### ارائه پیشنهادات

سرمایه‌ی اجتماعی نتیجه دوستی‌ها و شناخت افراد متعامل و برقراری اعتماد میان آنها می‌باشد و راه رسیدن به هدف را هموار و آسانتر می‌کند. در شهر ارومیه که اقوام متعدد و پیروان ادیان و مذاهب مختلف زندگی می‌کنند. چگونه می‌توان این دوستی و اعتماد را جهت رسیدن به انسجام اجتماعی برقرار ساخت و برای جلوگیری از فرسایش و نابودی سرمایه‌ی اجتماعی چه باید کرد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد برخی از مناطق شهر ارومیه مثل منطقه یک، دارای مسائل و مشکلات عدیده‌ای در زمینه فقر، توزیع نا عادلانه‌ی خدمات، قدرت، امکانات و فرصت‌ها، نا امنی، اختلافات مذهبی، قوم‌گرایی وجود دارد که آسیب‌های جدی برای فرسایش و نابودی سرمایه‌ی اجتماعی را در پی دارند و در نتیجه وفاق همگانی و نظم پویا که لازمه توسعه می‌باشد را تضعیف و نابود می‌کند. سه عنصر اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تعاون و همکاری مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی می‌باشند. وجود و حضور آنها در هر جامعه‌ای، دستیابی به هدف را آسانتر می‌سازد. برای تقویت سرمایه‌ی اجتماعی در میان اقوام کرد و ترک در مناطق شهر ارومیه باید رضایت آنان را بدست آورد. فقر و بیکاری ریشه کن شود، تبعیض و نابرابری از بین برود، ثروت‌ها، درآمدها، امکانات، فرصت‌ها و خدمات زندگی عادلانه در جامعه توزیع شود. نهادهای مدنی در جامعه گسترش یابند تا تشابهات، همدلی، همدردی، همکاری، همیاری و نوع دوستی در مناطق مختلف شهر ارومیه نهادینه شود. شبکه روابط اجتماعی قوی و موثر شکل گیرد، روابط محدود و بسته فرو ریزد و شبکه اعتماد مبتنی بر قبیله و قوم دگرگون و شبکه اعتماد ملی و عمومی جایگزین آن شود. به مطالبات اقوام پاسخ منطقی داده شود و اصول، مبانی و تعالیم مشترک در جامعه ترویج شود و از احیاء و تاکید بر امور تفرقه آمیز خوداری گردد. جهل و بیسوادی ریشه کن شود و رسوم و سننی که مانع از تعامل مطلوب هستند، تعدیل و اصلاح شوند، افراد در مقابل آسیب‌های گوناگون احساس ایمنی نمایند و احترام به شان و کرامت انسان‌ها سرلوحه امور جامعه باشد. با سوء تفاهم‌های فرهنگی درست برخورد شود و از تحقیر فرهنگی پرهیز گردد. برای مشارکت در جامعه، به افراد آموزش‌های لازم داده شود تا از توانمندی کافی برخوردارگردند. رسانه‌ها فضای مطلوب و شرایط مناسب برای وفاق و همبستگی ایجاد کنند. علاقه و تعهد افراد به جامعه بیشتر شود تا با تکیه بر این شرایط همگرایی قومی ترک و کرد در مناطق چهار گانه شهر ارومیه افزایش یابد و انسجام و نظم اجتماعی در جامعه و کشور مستحکم تر و منظم تر و پایدارتر گردد.

### منابع

اخوان مفرد، حمیدرضا، عبدالله هندیانی و حسن زینال نژاد (۱۳۸۷). بررسی راه‌های همگرایی قومیتی با تأکید بر اقوام ترک و کرد در شهرستان ماکو، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره چهارم



- اصغر پور، محمدجواد (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری‌های چند معیاری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- افتخاری اصغر (۱۳۷۷). ظرفیت طبیعی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم
- افضلی، رسول و برزین ضرغامی (۱۳۸۸). تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰.
- اکبری، نعمت الله و مهدی زاهدی کیوان (۱۳۸۷). کاربرد روش‌های رتبه بندی و تصمیم‌گیری چندشاخه، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاری‌های کشور، تهران.
- جلایی پور، حمیدرضا و علی قنبری (۱۳۸۸). بررسی هویت ملی و ارزش‌های جهانی شدن با تاکید بر ایرانیان عرب زبان، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم.
- جهانیان، منوچهر، مهدی قرخلو و ابتهاج زندی (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر همبستگی ملی با تاکید بر مؤلفه‌های فرهنگ و گردشگری، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی - سال دوم، شماره سوم.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم، نشر نی، تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا و مراد کاویانی (۱۳۸۵). نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی: قوم بلوچ). مجله پژوهش دانشگاه اصفهان، جلد ششم، شماره ۱.
- دلجو، عباس (۱۳۹۰). رشد هویت خواهی قومی در فرآیند جهانی شدن، مجله اینترنتی نمای نزدیک، <http://www.kabul.net.au>
- سیدامامی، کاووس (۱۳۷۶). ملی گرایی قومی: در جستجوی درک بیشتر، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهارم، شماره ۱۰ و ۱۱.
- شارع پور، محمد (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران.
- صباغ پور، علی اصغر (۱۳۸۱). جهانی شدن، حاکمیت ملی و تنوع قومی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱.
- الطائی، علی (۱۳۸۲). بحران هویت قومی در ایران، چاپ دوم، انتشارات شایگان، تهران.
- علیزاده گل سفیدی، مصطفی (۱۳۸۵). اقوام ایرانی و سرمایه اجتماعی، همایش منطقه ای سرمایه اجتماعی چالش‌ها و راه کارها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
- کریمی موغاری، زهرا، اسماعیل ابونوری و هدی زبیری (۱۳۹۱). بررسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی، مجله برنامه‌ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۴.
- کریمی مله، علی (۱۳۷۸). حقوق قومی، اقلیت‌ها و همگرایی، نویسنده علی ابوطالبی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی، اقتصادی، نشر شریف، تهران.
- گل شیری اصفهانی، زهرا، حسین خادمی، رضا صدیقی و مهدی تازه (۱۳۸۸). تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان: مطالعه موردی بخش گندمان، شهرستان بروجن، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۱.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادی در مطالعات قومی، انتشارات تمدن ایرانی، چاپ اول، تهران.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی و پدیده قوم گرایی در ایران، چکیده مقالات همایش ملی سرمایه اجتماعی و هویت ملی در ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر و انجمن علوم سیاسی ایران.

نظری، نصرالله (۱۳۹۰). انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم، دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

یوسفی، علی (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک پیمایش ملی، فصلنامه مطالعات ملی؛ سال دوم، شماره ۸.

یوسفی، علی (۱۳۸۵). وضعیت انسجام اجتماعی در ایران، نشریه علوم اجتماعی آیین، شماره ۶.

- Blau, P. M. Beeker, C and Fitzpatrick, K. (1984), "Intersecting Social Affiliations and Intermarriage." *Social Forces* 62
- Cornell S. & Hartmann D, (1998), *Ethnicity and race: Making Identities in a Changing World*. Pine Forge Press: London.
- Diamond L. & Plattner M.F. (1994). *Nationalism, Ethnic Conflict, and Democracy*, the Johns Hopkins University Press: London.
- Fukuyama, F, (2001). *Social capital, civil society and development*, *Third World Quarterly*
- Fukuyama, Francis (1995). *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*, New York, Free Press.
- Guboglo, M, (1991), *Ethnic populations of USSR's Capital cities*, *Journal of Soviet Nationalism*, vol, No 4
- Halpern .E (2005), *Social Capital Assessment Tool*, *Social Capital Initiative Working Paper No, 22* The World Bank, Washington D.C.
- Kellas J.G. (1998), *Second edition, The Politics of Nationalism and Ethnicity*, Macmillan Press Ltd: London.
- Putnam. R (2002), *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, Simon and Schuster, New York
- Roessingh, M.A. (1996), *Ethno nationalism and Political Systems in Europe: A State of Tension*. Amsterdam University Press: Amsterdam
- Smith A.D. (1991), *National Identity*, Penguin Books Ltd: London.
- Stone, W (2004). *Measuring Social Capital: Towards a theoretically informed measurement framework for researching Social Capital in family and community life*, *Australian Institute of family Studies*.
- Svendsa, A (2006). *Foundations of social theory*, Cambridge mass: Harvard university press.
- Tishkov, Valery, (1991), *Ethnicity and Power in Republics of USSR*, *Journal of Soviet Nationalities*, vol 1, no 3
- Weber, Max, (1978), *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology*, (2 volumes). Edited by Guenther Roth and Claus Whitish, Berkeley: University of California Press
- Williams, Michael (2003) "Words, Images, and Enemies: Securitization and International Politics." *International Studies Quarterly* 47

## **Analysis of relationship between social capital and Sense of ethnic Integration in Urmia City (Case Study: ethnic Turk and Kurd)**

**Rahim Sarvar**

Associate Prof. of Geography & Urban Planning, Islamic Azad University,  
Yadegar-e-Imam Branch, Shar-e-Ray, Iran

**Mir Najaf Mousavi\***

Associate Prof. of Geography & Urban Planning, Urmia University, Urmia, Iran

**Ali Bagheri Kashkooli**

PhD. Student in Geography & Urban Planning, Isfahan University, Isfahan, Iran

---

### **Abstract**

Social capital and the phenomenon of ethnocentrism is intimately linked with the level of ethnic tendencies. And the level and depth ethnic tendencies are also dependent on different factors and Fields. Therefore, Classification and determine little bag of ethnic interests is considered of great importance for achieving ethnic Integration. The purpose of this study is investigating the relationship between concepts related to Integration issues and Ethnic diversity and the components of social capital between two ethnic Turk and Kurd in Urmia city. Type of research, Applied and Its Methods is descriptive - analytical. Statistical population is 375 people from residents 4 Zone of Urmia City. Research Index is includes 38 indicators of social capital and 11 indicators of ethnic Integration. Results based on study of social capital in regions of Urmia City shows that Rate of social capital in Urmia City is an average of 2/67 (63/22 percent). In this respect have been allocated to social partnership and Interest to the society with the amount of 2/75 (75/8 %), highest rate and family relationships and social trust with the amount of 2/56 (61/4%), the lowest rates. Ranking of urban areas by using of TOPSIS Model and the use of Entropy weighting method Show that have been known Zone 2 and 3 as rich zones and zone 1 as rich half zone or marginal with Low levels of social capital. Review of Integration ethnic Turk and Kurd is also represents a significant relationship between variables of Integration ethnic to breakdown each of the ethnicities in Urmia city. Also, Kendall's correlation coefficient is calculated in among Ethnicity Each of respondents and Sense of ethnic integration at Level of Assurance 99% equal to 0/76 That It can be concluded that there are significant differences between Sense of Integration ethnicities Turk and Kurd in Urmia City region. Finally, to achieve Integration ethnicities Turk and Kurd in Urmia City regions, benefiting from social capital is presented strategies for achieving social cohesion.

**Keywords: Social capital, Ethnic Integration , Social Cohesion, National Solidarity, Kurd and Turk ethnic, Urmia City**

---

Received Date: 19 November 2014

Accepted Date: 25 January 2015

---

\* (Corresponding author) Mousavi424@yahoo.com